حق عدالت

<"xml encoding="UTF-8?>

عدالت از پیچیده ترین موضوعاتی است که اندیشه بشری درباره آن به تامل و تفکر پرداخته است. پیچیدگی نظری عدالت از یک سو، و دشواری بسیار در تحقق عملی آن از سوی دیگر، عدالت را، هم به مفهومی بسیار بغرنج تبدیل کرده و هم دغدغه ای دائمی و بزرگ برای همه بشر بوده است. شاید در مورد هیچ موضوعی به اندازه عدالت بحث و بررسی نشده، و شاید بتوان گفت که هیچ موضوعی به اندازه عدالت، موضع اختلاف نظر نیست تحقق آن در مقام عمل، از این هم بغرنج تر است.

در اندیشه های مکتوب و غیر مکتوب موجود در ادبیات عربی و اسلامی، اولین کسی که به موضوع عدالت نگاه ژرف داشته، امام علی (ع) است. حضرت علی (ع) هم بر پیچیدگی عدالت و هم بر اهمیت آن واقف است. ایشان در عبارتی کوتاه عصاره همه نزاعها درباره عدالت را بیان می فرمایند: «العدل، اوسع الاشیاء فی التواصف واضعیتها فی التاصف»؛ یعنی عدل در مقام توصیف بسیار فراخ و در مقام عمل، بسیار تنگ و دشوار است.

این بیان موجز، تبیین پیچیدگی عدالت است. شاید راز پیچیدگی و دشواری تحقق عدالت در عمل نیز این است که انسانها عدالت را بیشتر بر اساس تمایلات درونی خود و به طور عمده برطبق منافع خود توصیف می کنند. اما پیچیدگی درک عدالت و تحقق عملی آن، مانع تلاش برای رسیدن به آن نیست، چرا که امام علی (ع) معتقد است که عرصه عدالت برای همگان عرصه فراخ تر از عرصه ستمگری است.

در عدل وسعت و گشایش است و کسی که اجرای عدالت او را در تنگنا قرار می دهد، ظلم و ستم بر او تنگ تر خواهد آمد! معنایی عمیق تر، هر کس در پناه عدل احساس امنیت نکند، در دامان ظلم هرگز روی آرامش را نخواهد دید.

امام علی (ع) عدالت را در حوزه های مختلفی به کار برده است. یکی از این حوزه ها ارتباط انسان با خداست. از نظر امام، خداوند متعال جهان را به لطف خود به سامان آورد و به امر خود از درهم ریختن نگه داشت و به قدرت خود استواری اش بخشید. (1)

امام علی (ع) اساس هستی را عادلانه می داند که خداوند آن را بر پایه «حق» آفریده است. در حقیقت در تفکر حضرت علی، «حق» مظهر مفاهیم راستی، پایداری و عدالت است. یعنی هیچ واژه دیگری نمی تواند چون حق عصاره عدالت را نشان دهد. حضرت علی (ع) جهان هستی را جهانی عادلانه تصور می کند که در آن حق از میان رفتنی نیست. این عدالت در هستی و خلقت، باید در رفتار انسانها نیز نمود داشته باشد. در قاموس امام، فضل خداوند بر مبنای عدالت است؛ چه در مقام خلقت و چه در مقام رفتار با بندگان خود. و بر همین اساس می فرماید: خداوندی که در هر وعده صادق است، فراتر از آن است که بر بندگان خود ستم روا دارد؛ با آفریدگان خود به عدالت رفتار می کند و همه احکام او با عدالت همراه است. (2)

آن حضرت خلقت و جریان امور هستی را کاملاً عادلانه می داند و این عدالت درباره انسانها هم مصداق می یابد، پس انسانها هم باید در رفتار خود عدالت پیشه کنند، در غیر این صورت عدالت خداوندی ایجاب می کند که عقوبت سختی ببینند. در نظر امام چنین عقوبتی نیز بر قراری عدالت است، و با این همه، این مسئله به معنای

واگذار کردن امر عدالت به خداوند نیست، بلکه عدالت چنان که گفته شد، از اهمیتی برخوردار است که همه انسانها باید برای برقراری آن تلاش کنند. در اینجا بیان حضرت درباره عدالت از حوزه رابطه انسان با خداوند خارج و رابطه انسانها با یک دیگر را پوشش می دهد.
از دیدگاه امام، فساد و تباهی هرگز نمی تواند اساس و قانون زندگی قرار گیرد. فقط حق و عدالت است که اساس زندگی است. حال عدالت در جامعه انسانی چگونه برقرار می شود؟ پیش تر گفته شد که از نظر حضرت علی، برقراری عدالت در عمل، بسیار دشوارتر از توصیف آن است، ولی اصل مسلم وجود حکومت است که به بیان های مختلف از سوی امام مطرح شده است، زیرا اگر انسانها به خود سپرده شوند، طغیان می کنند و توانمندان، ضعیفان را به بندگی خود می کشند. امام در این باره در سخنی بسیار تامل برانگیز می فرماید: در چنین فضایی قدرتمندان دنیا ناتوانان را می خورند (3).

حکومت عادل و جامعه عادلانه

جامعه عادلانه جامعه ای سالم است و خداوند از دانشمندان عهد گرفته است که برای ساختن چنین جامعه ای تلاش کنند و این امور را بی مسئولیت رها نکنند. در نظر امام حکومت عادل مهم ترین عنصر در تحقق جامعه عادلانه است، زیرا امام معتقد است که کار مردم جز با شایستگی زمامداران، سامان نمی یابد».
حضرت علی در این مورد، در زمینه های مختلف بحث کرده است. درجایی می فرماید: همانا زمامدار، امین خدا در روی زمین، بر پا دارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است. (4) در جایی دیگر می فرماید: دولت عادل از واجبات است. (5)
از نظر امام، دولت با ثبات ویژگی مهم یک دولت عادل است؛ چنان که در توصیف وضعیت مردم جزیرة العرب، برپایی یک حکومت با ثبات را نتیجه استقرار شریعت اسلام می داند که «در سایه آن امور به آسانی انجام می گرفت». ثبات از نظر امام، به این دلیل معیار مهمی است که تنها راه بقای یک حکومت در بلند مدت، احساس رضایت مردم از آن است. حضرت حکومت ظالم ستمگر را بر فتنه دائمی ارجح می داند، ولی این به معنای تائید آن نیست. در حقیقت دیدگاه ایشان، چنان که پیش تر گفته شد عدالت در هستی جاری است و بالاخره روزی اجرا خواهد شد. از همین روی ایشان اصولاً دولت ظالم را دولتی ناپایدار می داند و این در یک معنا، عین اجرای عدالت است. دولت عادل دولت ثابت و پایدار است، در حالی که دولت جائر در معرض زوال، ناپایداری و نابودی است، چرا که حق پایدار و باطل در حال گذار است. (6) دولت غیر عادل مجازات خواهد شد و مجازات آن در دنیا زوال و در آخرت عقوبت و عذاب الهی است.
با این همه باز هم نباید نشست و بی عدالتی ها را نظاره گر بود، زیرا خداوند به چنین امری رضایت ندارد.
حکومت عادلانه باید شکل بگیرد. البته از نظر امام، هم پایه و اساس حکومت باید عادلانه و با تبعیت از حق باشد و هم رفتار آن باید عادلانه باشد.
در عادلانه بودن رفتار حکومت اصل راهنما انطباق آن با نظم هستی است، به همین دلیل امام در مقایسه «عدل» «وجود»، عدل را بر آن ارجح می داند، چرا که عدل امور را در موقعیتی که باید باشند، قرار می دهد، در حالی که جود، به نوعی ایجاد بی نظمی در این وضعیت است. (7) البته این بیان بسیار پیچیده است و تشخیص جایگاه هر چیز و هر کس، واقعاً دشوار است، ولی این یک اصل راهنماست و کسی که عامداً از آن عدول کند، از محور عدالت و حق فاصله گرفته است.

امام علی (ع) با اینکه معتقد است، بر قراری عدالت در عمل بسیار مشکل است، ولی معیارهای متعددی را در کنار اصل راهنمای فوق در اختیار ما قرار می دهد که بیان ویژگی های رفتار عادلانه حکومت است!
چنان که گفته شد عمل به عدالت در عرصه سیاست و اجتماع، از نگاه حضرت علی (ع) بسیار دشوار است، هر چند در واقعِ امر، تبیین عدالت هم بسیار سخت است و یکی از مفاهیم چالش بر انگیز بوده است.
با این همه این دشواری، به معنای انتظار اجرای عدالت از سوی خداوند نیست، بلکه به بیان امام، خداوند از دانشمندان عهد گرفته است که نسبت به سیری ستمگر و گرسنگی مظلوم ساکت ننشینند و دست روی دست نگذارند که به معنی ضرورت اجرای فرمان الهی برای برقراری عدالت در عرصه اجتماع و سیاست است در اینجا امام وارد عرصه سیاست می شود و با تعابیر مختلفی از عدالت یاد می کند. در برخی موارد با بیان ساده ای به تعریف آن می پردازد. در بسیاری موارد، عدل را همان انصاف می خواند. به همین دلیل، انصاف یکی از محوری ترین موضوعات در توصیه های حضرت به حکمرانان است. (10) عدل و انصاف، چنان که در مقایسه با جود گفته شد، در برگیرنده همگان از دوست و دشمن است و امام به دادگری برای دوست و دشمن توصیه می کند.
در نظام عادلانه اسلامی همگان، اعم از مسلمان یا غیر مسلمان، احساس امنیت و آرامش می کنند. حکومت عادلانه اسلامی کرامت انسانی را در عالی ترین درجه ممکن رعایت می کند. در نامه امام به مالک عبارتی وجود دارد که علی رغم تکرار بسیار آن، هرگز درباره مفهوم و آثار آن در عرصه اجتماع، سیاست و دینداری تأمل جدی به عمل نیامده مردم است. و در بیان امام دو دسته اند: یا برادران دینی تو هستند یا در خلقت با تو برابرند. (11) این عبارت می تواند مبنای سیاستی کاملاً عادلانه در هر جامعه ای، به ویژه یک جامعه اسلامی باشد تا در آن، انسانها به دلایل مختلف سیاسی و عقیدتی تحت فشار قرار نگیرند.
امام آثار بسیاری برای اجرای عدالت در جامعه قائل است که تامل در آنها بسیار اثر گذار است، آن حضرت را منشا همه نیکی ها و بالاترین درجه ایمان معرفی می کند؛ یعنی مهم ترین معیار برای ارزیابی ایمان افراد، عملکرد عادلانه آنها در رفتارهای مختلف فردی و اجتماعی است. بر این اساس، از دید امام، از آنجا که اراده الهی بر خلقت عادلانه هستی تعلق گرفته است، مهم ترین ملاک برای ارزیابی میزان ایمان انسانها به خداوند، نسبت عملکرد آنها با عدالت و انصاف است.
امام زمانی که از ضرورت برقراری عدالت بحث می کند، ابعاد مختلفی را مورد توجه قرار می دهد. ایشان در مرحله نخست، عدالت را در درون انسان و تلاش وی برای دوری از هوای نفس جست وجو می کند، زیرا بدون این الزام درونی، الزام به عدالت بیرونی بی معناست. در نظر ایشان، محبوب ترین بنده نزد خدا کسی است که خود را بر عدل و دادگری ملزم نموده، نخستین عدل وی درباره خویشتن، نفی هوا و امیال از نفس خود می باشد. (12) اما این پایان کار نیست، بلکه آغاز راه است، چرا که اساساً هدف از این کار اقدام به عدالت در عرصه اجتماع است، چرا که امام گستره عدالت را حوزه همگانی می داند با عبارت «العدل سائس عام»، بر ضرورت بر پایی عدل و اقامه آن در عرصه اجتماع و سیاست تاکید می کند و این امر را بیش از همه وظیفه حکومت می داند، زیرا موضوع فراتر از افراد است.
امام هدف از حکومت و تنها غایت آن را برقراری عدالت می داند و اساساً انگیزه خود از پذیرش حکومت را نیز بر همین اصل استوار می سازد که می فرماید: اگر خداوند از دانشمندان پیمان نگرفته بود که در برابر سیری ستمگر و گرسنگی ستمدیده آرام ننشینند، هر آینه مهار شتر خلافت را بر گردن آن می انداختم. (13) امام علی (ع) یکی از معیارهای عدالت را راستگویی می داند، در آغاز خلافت خود می فرماید: به آنچه می گویم، پایبندم و ضمانت می

دهم که آن را اجرا کنم. (14) این پایبندی به عدالت، در لحظه لحظه رفتار سیاسی امام در دوران حکومت و در تمامی خطابه ها و نامه های سیاسی آن حضرت کاملاً مشهود است. اما چنان که خود امام می فرماید، برقراری عدالت بسیار دشوار است و آن حضرت هم با موانع جدی در این راه مواجه می گردد که مباحث زیادی در این زمینه موجود است.

امام در بحث از ضرورت رفتار عادلانه حکومت، موضوع را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می دهد. در وهله نخست تاکید امام بر اصل حکومت است که باید عادلانه باشد و کسانی که شایستگی آن را دارند در مقام تدبیر امور عمومی قرار گیرند. امام علی (ع) اوج بی عدالتی را سپردن کارهای بزرگ به افراد کوچک می داند که اوج این مسئله در حکومت اتفاق می افتد. تحقق این موضوع (مدیریت شایسته سالاري) هم در مقام عمل با دشواری های بسیار مواجه است و عوامل و مولفه های بسیاری مورد نیاز است که این موضوع در سطوح مختلف مدیریت سیاسی، به مرحله عمل برسند.

عدالت اقتصادی

در ورای این موضوع، عمده ترین تأکیدات حضرت علی (ع) در مورد عدالت، وجه اقتصادی و تلاش برای بهره مندی هر چه عادلانه تر افراد از منابع عمومی است. شاید بتوان گفت تمام تاکیدهای امام در مورد رفتار عادلانه، به نحوی به این موضوع ارتباط می یابد. چنان که انگیزه خود را از قبول خلافت، عهد خداوند از علما در خاموش نماندن نسبت به سیری ستمگران اعلام کرد و در همان حال فرمود که اگر مال حرامی به کابین زنان قرار گرفته باشد، آن را باز پس می گیرد و خطاب به ابن عباس تاکید کرد که ارزش حکومت در نزد من از یک نعلین کهنه کمتر است، مگر آنکه به وسیله آن حقی ادا شود و باطلی دفع گردد. (15)

در مرحله بعد در نامه ها و عهد نامه های حکومتی اش، بیش از همه بر همین موضوع تأکید دارد، چرا که معتقد است، عدالت با از میان رفتن استثمار برقرار می گردد. (16)

استثمار هم همواره در تمامی ابعاد زندگی بشر حضور داشته است. استثمار به معنی بهره مندی دیگران از کار و زحمت افراد دیگر است. امام می فرماید: عثمان در تقسیم اموال عمومی است. استثمار به معنی گزینشی عمل کرد...، و خداوند بزرگ درباره کسانی که اموال و امکانات را ویژه خود می سازند، حکم قطعی دارد. (17) ایشان در بیان چرایی جنگ با معاویه، به مسئله مهم بهره مندی نا عادلانه آنان از اموال عمومی اشاره می کند: ما تصمیم داریم به سوی معاویه و شامیان (برای جهاد) برویم، آنان که به قانون خدا عمل نکردند و اموال عمومی را ویژه خویشان و اطرافیان خود ساختند. امام در نامه خود به مالک نیز بیش از همه، در مورد چگونگی توزیع اموال عمومی بحث می کند و او را از اینکه این اموال را ویژه خود سازد، بر حذر می دارد و خطاب به وی می فرماید: «از اینکه آنچه به همگان تعلق دارد، به خود اختصاص دهی، پرهیز کن!»

آن حضرت خطاب به کارگزاران خود آنان را به انصاف در ارتباط با مردم توصیه می کند، چرا که آنان خزانه داران رعیت هستند و باید در بر آوردن نیازهای آنان تلاش کنند. (18) امام هنگام تأکید بر ویژگی های پیشوایان عادل، باز هم از میزان بهره مندی آنان از نعمات اقتصادی سخن می گوید و می فرماید: خداوند بر پیشوایان عادل واجب کرده است که شأن و اندازه خود را (در بهره مندی از مواهب مادي) در حد ضعیف ترین مردم نگه دارند، تا بینوایی مستمندان، آنان را گرفتار اندوه نگرداند. (19)

امام علی (ع) معتقد است که برقراری عدالت در عمل دشوارترین امور است، هر چند که توصیف و تعریف آن

بسیار آسان باشد. توصیه های مکرر ایشان به حاکمان نیز به همین دلیل است. ایشان می فرمایند: زمامداری ها، میدان آزمون مردان است. (20) کسانی از این آزمون سربلند بیرون می آیند که عدالت بورزند. عدالت حاکم موجب پایداری ملت است و این چیزی است که هم حضرت علی بدان تصریح کرده است و هم تجارب بشری به ما گوشزد می کند. امام علی در این باره می فرماید: امور رعیت جز با اصلاح زمامداران اصلاح نمی گردد (21) و صالح بودن زمامداران هم به عدالت است. از این نظر عدالت عنصر ذاتی و مهم ترین رکن سیاست از دیدگاه امام علی (ع) است و اندیشه سیاسی وی بدون درک مفهوم و اهمیت عدالت قابل درک نیست. از دید امام وجه اصلی تمایز حکومت اسلامی عدالت و دوری از ستم است، چرا که ستمگری حاکم، مهم ترین عامل برای از میان رفتن اصول اخلاقی در جامعه است.

در پایان این مقال، بر عنصری که حضرت علی بیش از هر چیز بر آن تاکید می کند، تأکید می کنیم و آن قطعی بودن اجرای عدالت از سوی خداوند، چه در این دنیا و چه در آخرت است. حضرت در این باره می فرماید: من از رسول خدا شنیدم که روز رستاخیز امام ستمگر را بیاورند و او را نه یاری بود، نه کسی که از سوی او پوزش بخواهد. پس او را در دوزخ افکنند. (22) راز اینکه امام علی هنگام شهادت قسم خورد که رستگار شد، به همین امر باز می گردد که هرگز در مقام حکومت و یا غیر آن، بر احدی ظلم روا نداشته است و هرگز خود را در مقام حاکمان جائر ندیده است. امام همواره به همگان توصیه می کرد که با او آن گونه که با سلاطین جور سخن می گویند، سخن نگویند، (23)زیرا امام تجسم نظری و عملی عدالت بود.

پی نوشت ها :

1. نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، خطبه 228، ص 549.
2. همان، خطبه 227.
3. تحف العقول، از سخنان حضرت علی، حدیث 57.
4. شرح غرر الحکم، ج 6 ص 236.
5. همان، ج 4، ص 41.
6. همان، ج 5، ص 25، ج 1، ص 321 و ج 4، ص 10.
7. حکمت 437! عدل هر چیزی را در جای خودش قرار می دهد و بخشش آنها را از جای خود بیرون می کند. عدل همه افراد را در بر می گیرد وجود افراد خاصی را بهره مند سازد پس عدل شریف و برتر است.
8. نهج البلاغه خطبه 3.
9. همان، حکمت 231.
10. همان، نامه 53.
11. همان، نامه 53
12. همان، خطبه 87.
13. همان، خطبه 3.
14. همان، خطبه 66.
15. همان، حکمت 262.

16. غرر الحکم، 256.

17. نهج البلاغه، نامه 52.

18. همان، نامه 51.

19. همان، خطبه 309.

20. همان، حکمت 441.

21. همان خطبه 216.

22. همان، خطبه 164.

23. همان، خطبه 216.

1 ـ هیچ واژه ای نمی تواند مانند «حق»، عصاره عدالت را نشان دهد.

2 ـ «انصاف» از محوری ترین مفاهیم در قلمرو عدالت است به گونه ای که «عدل» و «انصاف»، کاربردی یکسان یافته اند.

3 ـ بدون الزام درونی در مورد عدالت، الزام به عدالت بیرونی بی معناست، گام نخست در عدالت، دوری از هوای نفس است.